

شرح حال

مستند درباره مهرداد بهار
به روایت سازنده اش



پیام مستوفی

۱ ۳۰ سال از تاریخی که ملک مهرداد بهار به جهانی بهتر رفت، گذشت. نخستین باری که با نام دکتر مهرداد بهار آشنا شدم به لطف حضور آقای بهرام بیضایی مهمان ویژه کلاس‌های درس تاریخ سینما و تحلیل فیلم استاد همیشه‌ام خسرو دهقان بود. به گمانم تابستان ۱۳۷۴ جایی که او از ایشان نام برد و هیچ‌کس نامی از او نشنیده بود. نه از او که از دکتر علی رواقی و دکتر بهمن سرکاراتی در ادامه. سکوت محض. از همان سال‌ها تلاش من برای شناخت مهرداد بهار آغاز شد. تنها بدم و برای پژوهش و مستندسازی همان آغاز راه زرفته، مسیر را دشوار دیدم. دیدم که تنها هستم با کیف کوچکی از نور، میکروفن و دوربین. که گاه حیرت‌مصاحبه‌شوندگان را از باب نبود تجهیزات و عوامل برمی‌انگیخت. تا افشین معاصر با تعدادی از اسناد و عکس‌ها و با لطف همیشگی‌اش از راه رسید و مسیر کمی هموار شد. و استادانی که با لطف فراوان و به اعتبار نام دکتر، پشت و جلوی دوربین کوچکم آمدند. تابیماری همه‌گیر آمد و چند نفری هم فقط ضبط صدا شد. به هر حال سالی‌هایی گذشت و من با تلاش بیشتر و مقدمات اندک فیلم را به پایان رساندم. درباره مهرداد بهار جست‌وجو و پاسخی است به پرسش‌هایم درباره این اسطوره که نامش اعتبار اسطوره‌شناسی ایران است. این کوشش ناچیز حقی است به انسانی دانشمند، وارسته، صاحب فکر، مهربان و ایران دوست. ملک مهرداد بهار.

۲ قطعاً نمی‌توانم خوشحالی‌ام را از حضور در بزرگ‌ترین رویداد سینمایی ایران یعنی جشنواره فیلم فجر پنهان کنم. من از دوازدهمین دوره این جشنواره یعنی سال ۱۳۷۲ در آن به‌عنوان سینمایی‌نویس و منتقد حضور داشتم و هر سال به‌طور جدی این رویداد را دنبال کردم. از ابتدای دهه ۹۰ نیز که با ساخت مستند «نسیه و نقد» (پرتره خسرو دهقان) به عرصه سینمای مستند وارد شدم، در کنار جشنواره «سینما حقیقت» و سینمای داستانی فجر، بخش مستند آن را نیز به‌طور جدی دنبال کردم تا امسال که به لطف دوستان در این جشنواره به‌عنوان فیلمساز حضور دارم.

بسیار شوق‌انگیز است که بخش سیم‌رغ بلورین سینمای مستند در جشنواره فیلم فجر حضور دارد و قطعاً این یک اعتبار برای سینمای مستند ایران است و طبعاً برای فیلم من هم اهمیت بسیار بالایی دارد. همانطور که می‌دانیم سینما در ایران با فیلم مستند آغاز شد و طی سال‌ها سینمای مستند ایران مخاطبان جدی خود را همیشه داشته و امیدوارم و البته آرزوی همه ما در این سال‌ها این بوده که فیلم‌های مستند در حوزه پخش و عرضه نیز به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند.



گفت‌وگو با حسین میرزا محمدی کارگردان فیلم بازی خونی

درام تاریخی

بارگه‌هایی از ژانر معمایی

فاطمه عرفی‌نژاد

«بازی خونی» به‌گفته سازنده‌اش یک بازخوانی دراماتیک معمایی از یک واقعه تاریخی در سال ۶۰ است. فیلم به ماجرای آمل در سال ۶۰ می‌پردازد که در آن به گروهی موسوم به «سربهداران» پرداخته می‌شود که زیر نظر اتحادیه کمونیست‌ها

بودند و با توجه به‌نظر به‌های مانو و مخفی شدن در جنگل‌های اطراف آمل قصد داشتند این شهر را تصرف کنند و بعد به شهرهای دیگر بروند، که با شکست مواجه شدند. فیلم فضایی کاملاً متفاوت با ساخته پیشین حسین میرزا محمدی (کت چرمی) دارد. گرچه میرزا محمدی معتقد است ارتباط ژانری بین این دو فیلم وجود دارد. او در این گفت‌وگو از بازی خونی و چالش‌های ساخت آن گفته است.

بوست. سارا حاتمی را هم همانطور که گفتید از کت چرمی می‌شناختم و اصلاً با آن کار وارد سینما شد. دوست دارم بتوانم برای آدم‌هایی که وارد سینما می‌کنم، کاری کنم که این مسیر برایشان ادامه‌دار باشد. خانم حاتمی هم جاهای دیگر کار کرده است و با توجه به تلاشی که برای نقش می‌کند، یک نقش سخت و پیچیده را به او سپردم که به‌خوبی از پس آن برآمد.

فکر می‌کنید در جشنواره چه اتفاقی برای فیلم‌تان رقم بخورد؟ به‌نظر تان جایزه می‌گیرید؟

همیشه گفته‌ام بهترین اتفاق برای یک فیلم این است که وقتی نمایش داده می‌شود، یک گفت‌وگو را شکل دهد. وقتی این گفت‌وگو به‌وجود بیاید، یعنی فیلم کار خودش را کرده است. دیگر جایزه و داوری و هر چیز دیگری یک بخش از آن سلیقه است و به‌جز آن مسائل دیگری هم دخیل هستند، ولی مهم‌ترین اتفاق برای من شکل گرفتن همین دیالوگ است.

فکر می‌کنید چقدر این گفت‌وگو شکل بگیرد؟

یک تجربه‌هایی شده و اتفاقاتی در فیلم افتاده که فکر می‌کنم دیدنش جالب باشد، یک تجربه جدید به‌حساب بیاید و جایی برای گفت‌وگو ایجاد کند. حالا چه تجربه موفقی باشد و چه شکست بخورد، ولی همین دست‌زدن به یک چالش بسیار سخت و سنگین نکته‌ای است که شاید بتوان درباره آن گفت‌وگو کرد.

بلیسوی وجود دارد که کار را برای فیلم‌های دهه شصتی از نظر لوکیشن سخت می‌کند؛ به‌خصوص که در کارمان لوکیشن‌های خیابانی زیاد داشتیم. تأکید من بر این بود که لوکیشن‌ها در یک منطقه جمع شوند؛ نه اینکه یک بخش در شمال باشد و بخش دیگر در تهران یا جای دیگر؛ برای همین آقای جعفری، طراح صحنه بسیار زحمت کشید و یک بازه زمانی طولانی را برای اینکه مرکزیت لوکیشن‌ها را پیدا کنیم، تمام نوار شمالی کشور را گشت و سرانجام به شهرهای استان گلستان رسیدیم و همینطور روستاهای اطرافش.

در زمان فیلمبرداری هم قاعده‌ها را با دید حواستان به این می‌باید که المان‌های امروزی در تصویر وجود نداشته باشد.

بله و این کار سختی بود؛ به‌خصوص همانطور که گفتم بخش زیادی از کار در خیابان‌های تصویربرداری می‌شد و عمق خیابان‌ها را می‌دیدیم؛ برای همین تلاش زیادی شد تا به بکرترین شکل ممکن این اتفاق بیفتد.

درباره انتخاب بازیگران صحبت کنیم. شما دوباره با سارا حاتمی کار کرده‌اید که برای فیلم کت چرمی جایزه گرفته بود.

در کت چرمی تمام بازیگران به‌اصطلاح سلبریتی و ستاره بودند؛ مثل جواد عزتی، صابر ابر و پانته‌آ پناهی‌ها. در این کار من یک طراحی داشتم و براساس آن طراحی سعی کردم از بازیگرانی دعوت کنم که بتوانند با این فضا و جنس از کار هماهنگ شوند و همراه باشند. از ارسطو خوش‌رزم تا تاتر دیده‌بوم و بازی‌اش را می‌شناسم و پارسال هم برای فیلم «صبح اعدام» جایزه گرفته و توانایی‌هایش برای من مشخص

بازی خونی با فیلم قبلی تان، کت چرمی، متفاوت است. کت چرمی یک داستان امروزی بود که ماجرای یک فساد اقتصادی را روایت می‌کرد، اما بازی خونی را می‌توانیم یک درام تاریخی بدانیم.

بستر فیلم‌ها متفاوت است. کت چرمی یک موضوع اجتماعی داشت و بازی خونی درام تاریخی است، اما در هر دوی آنها رگه‌هایی از سینمای ژانر معمایی و جاسوسی وجود دارد که خط اصلی فکری و کاری من است. در بازی خونی هم سعی کردم باز به شکل دیگری در همین ژانر معمایی کار کنم.

باز هم با سعید هاشمی‌نژاد، نویسنده کت چرمی، همکاری کرده‌اید. از این فعالیت ادامه‌دار بگوئید و اینکه برای نوشتن فیلمنامه چقدر کار تحقیقاتی انجام شده است؟

من و آقای هاشمی‌نژاد از همان دوره سینمای کوتاه با هم کار می‌کنیم تا همین بازی خونی و یکی دو کار دیگر که در حال انجامش هستیم. برای نوشتن این فیلمنامه هم یک پروسه مفصل تحقیقاتی طی شد؛ از جمله خوانش یک‌سری منابع مکتوب مثل کتاب «جبهه سوم». در این بین نیاز بود با تفکرات گروه سربهداران و روایت آنها از این ماجرا هم آشنا شویم؛ برای همین یک‌سری منابع پیدا و از آنها استفاده کردیم.

یک بخش کار هم فکر می‌کنم بازسازی دهه ۶۰ است. این بازسازی در بازی خونی چطور اتفاق افتاد؟ برای اینکه به یک بازسازی درست برسید، چه مشکلاتی داشتید؟

با توجه به اتفاقاتی که در حوزه شهرسازی افتاده، یک

